

#### مقدمه

دوستان محترم ماهنامه رازی.

سلام، خسته نباشید. پیشنهاد اداره خدمات درمانی برای بازپرداخت بدهی‌هایش حساسیت‌های زیادی را در ما برانگیخته است. امیدوارم شما عزیزان نیز با حساسیت بیشتری به این مسأله نظری بیندازید و به عنوان تنها رسانه مکتوب بازگوکننده نظرات ما داروسازان و با توجه به وسعت فعالیت خود نسبت به انعکاس آن اقدام نمایید.

دکتر کریم‌اللهی درجی‌شما، دکتر حفیظی

## گزارش یک جلسه ماهانه

سلام، سلام، چه طوری آقای دکتر؟ خانم دکتر حال شما خوبه؟

ظاهراً من کمی دیر رسیده بودم و همه نوبستان قبل از من در محل حاضر بودند. معمولاً وقتی موضوع جلسات به نحوی به مسایل مالی ارتباط پیدا می‌کنه شور و شوق خاصی به جلسه حکم فرماست. قبل از این‌که ورق‌هام رو جا به جا کنم رییس جلسه صحبت‌های خودش رو با آیه‌ای در ارتباط با ربا آغاز کرد و من که به عنوان منشی جلسه اطلاع دقیقی از موضوع مورد بحث داشتم و کاملاً به علت انتخاب مطلع گفتار و قوف پیدا کردم زود خودم رو جمع و جور کردم و پس از اتمام اولین پاراگراف متن آقای رییس، با یک عذرخواهی کوتاه حرف ایشون رو قطع کردم و از ایشون خواستم قبل از این‌که صحبتشون رو ادامه بدن یک فرصت کوتاه در اختیار من بگذارن و ایشون هم که کاملاً اهل گفت و گو هستند و انصافاً تقدیر با کمال رضایت فرصت خواسته شده رو به من دادن.

خدمت ایشون و همه حضار عرض کردم. موضوعی که قرار است در اینجا به اون بپردازیم اگر چه از نظر شکل به این مسأله شباهت زیادی داره ولی فراموش نکنید از نظر محتوا تفاوت‌های زیادی با هم دارن.

صحبتم تمام نشده بود که دوستی گفت:

«شما هم، شما هم می‌خواین با گفتن حرف‌های قشنگ از مطرح شدن حقیقت جلوگیری کنید. چرا ارتباط نداره من خودم حدود ۲ میلیون تومن بابت سه ماه آخر سال از خدمات درمانی طلبکارم و طی این هفت هشت ماه بارها مجبور شدم حتی از بازار پول قرض کنم و صدی

چهار یا پنج هم ربا یا بهره اون رو بپردازم این که دیگه از ربا هم بدتره، بعد از یک سال می‌گن بیاین ۴ درصد از پولتون رو صرف نظر کنید و بقیه طلبتون رو بردارید. من هیچ وقت حساب نکردم که سود مشارکت پولم که دیگه وجدان هیچ آدم متعصبی رو هم قفلک نمی‌ده. طی این یک سال ۳۸۰ هزار تومنه. یعنی حساب می‌کنم ولی می‌گذارم به حساب طلبام تو اون دنیا ولی این که پیام و اون هم از روی اجبار و احتیاج مقداری از پولم رو هم ببخشم دیگه خیلی آزار دهنده و تحریک کننده است. اصلاً مگه نمی‌گن یکی از دلایل حرام بودن ربا اجبار دریافت کننده پوله. حالا چون میدونن ما مجبوریم می‌دونن ما مقروضیم هر جور دلشون با ما برخورد می‌کنن.»

این عزیز که دل پر درد و سر پر شوری داشت. حسابی داغ کرده بود و تا خواست یک لیوان آب خنک بخوره، دوست دیگری که تازه متوجه شده بود جریان از چه قراره گفت:

«چی یعنی بعد از هشت ماه، بعد از این‌که طلب آبان و آذر ما شهرستانی‌ها رو هم و اواخر خرداد دادن و می‌گن پول دی ماه بعضی شهرها رو هم همون اول سال پرداخت کردن. بیایم ۴ درصد از پولمون رو هم ببخشیم. اصل سودمون که طی این چند ماه استحاله شده هیچ نوکر بی جیره مواجب هم که بودیم. بیایم ۴ درصد رو هم ببخشیم هر کسی هم که بیشتر با بیمه همکاری کرده ضرر بیشتری بده.»

ول وله‌ایی بین ما هشت نه نفر افتاده بود. رشته کلام از دست آقای رییس که رفته هیچ بقیه رو هم به سختی می‌شد کنترل کرد. من که دیدم جلسه داره از مسیر خودش خارج می‌شه. چند تا

نهیب زدم که دوستان آقایان، خانم‌ها خواهش می‌کنم. اجازه بدین. من حال همه شما رو درک می‌کنم. ولی اجازه بدین تا من صحبت‌های ناتمام خودم رو تکمیل کنم. ما همه او مدیم اینجا تا به یک نتیجه واحد برسیم و در مورد نحوه برخورد با این مسأله تصمیم درستی بگیریم. می‌دونم همه مشکل دارید ولی مگه بقیه مردم مشکل ندارن. مگه آقای خاتمی به عنوان رییس دولت مشکل ندارن.

باز سر و صداها بلند شد و یکی از آقایون که دیگه از جای خودش بلند شده بود. گفت:

«برو آقا، من که رفتم، خودم می‌دونم چه جورى مشکلاتم رو حل کنم. مطمئن باشید متضرر اصلی اون‌ها من که - جملاتی که مطمئن هستم فقط و فقط از روی شدت عصبانیت به بیان اون‌ها پرداخت و با شناختی از اون دارم می‌دونم که تحت هیچ شرایطی دست از پا خطا نمی‌کنه. در فکر بودم که دوستی گفت:

«ولی واقعاً اگر خدای نخواست با این وضع کسی به خطا افتاد. پول ربا گرفت و یا خدای نکرده ربا داد و یا مرتکب تخلفی شد. چه کسی جوابگو خواهد بود. می‌گن تو کشورهایی که کارها نظم خاصی داره و مثل بازی شطرنج هر حرکتی رو پس از بررسی چندین حرکت بعد از اون انجام می‌دن، شما اگه ماشینت رو روشن بگذاری و برای چند لحظه کوتاه اون رو ترک کنی. جریمه‌ات می‌کنند. چرا؟ چون شما زمینه رو برای وقوع یک جرم فراهم کردید. اگر چه کسی هم مرتکب جرمی نشده که نمی‌شه. ولی بهره‌حال ای کاش اداره بیمه اصلاً این پیشنهاد رو مطرح نمی‌کرد. این‌ها که طلب داروخانه‌دارونند. ولی خوب بود که خودش یک فکری برای این ۴ درصد

هم می‌کرد. مثلاً با هماهنگی با وزارت دارایی به نحوی اون رو در محاسبات مالیات سال ۷۷ منظور می‌کرد.»

جلسه بعد از رفتن آقای دکتر کمی آرام شد و من باز فرصت کردم به صحبت‌هام ادامه بدم.

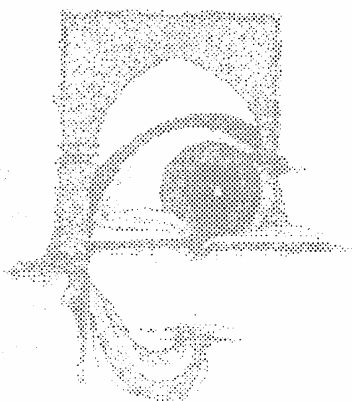
دوستان عزیز امیدوارم هیچ کدام از ما مصداق «خسرالدنیا و الاخره» نباشیم. بهره‌حال ما هر کدام حلقه‌ای، از یک زنجیره به هم پیوسته‌ایم که در نهایت خیر اون به اقشار ضعیف جامعه می‌رسه و هر کسی که در این راه بیشتر سختی و زحمت بکشه بیشتر نفع خواهد برد. البته من هم مثل همه شما معتقدم که کار ما وابستگی شدیدی به رعایت اصول اقتصادی داره و باید کاملاً قواعد کار در اون لحاظ بشه. ولی بهر حال مشکلی است که پیش اومده. اداره خدمات درمانی می‌گه تا تصویب بودجه سال ۷۹ و تخصیص اعتبار قادر به پرداخت دیون معوقه نیست و این هم همونطوری که همه می‌دونید به اواخر سال موکول خواهد شد و در واقع معتقدیم که این لطفی است که به داروخانه‌ها می‌کنه. ظاهراً با توافقی که با بانک رفاه کرده قرار شده در ازای انتقال حساب طلب داروخانه‌ها و امی به این اداره بیمه پرداخت بشه و داروخانه‌ها هم با پرداخت ۴ درصد کارمزد طلب خودشون رو وصول بکنند. باز دوستی بلند شد و گفت:

«عجب تازه یک چیزی هم بدهکار شدیم. چرا ضرر این دیرکرد رو ما پرداخت بکنیم. آیا نمی‌شد حداقل این کار رو شش ماه زودتر انجام بدن همین وام ۱۸ درصد رو که می‌گن و البته من به اصل اون هم مشکوکم نمی‌تونستن زودتر بگیرن. این‌ها می‌گن و امی هم در کل باشه. ۱۸ درصد سود اون رو یک سال دیگه پرداخت

شد و قرار شد مطالب مطرح شده عیناً صورتجلسه بشه و بعد از این که به تایید همه حضار رسید برای ماهنامه رازی پست بشه. دوست شوخ طبعی گفت: "رازی، همه راضی از مجله رازی".

با خنده ای مشکلات رو حل شده فرض نمودیم و از هم خداحافظی کردیم.

دروسازان شهرستان کاشمر



می‌کنن ولی ۴ درصد اون رو درجا از ما می‌گیرن. چرا رییس و روسا چیزی نمیگن. اصلاً من می‌خوام بدونم اونها هم مثل بقیه همینقدر از اداره بیمه طلبکارند."

حرفش رو قطع کردم و گفتم ببین عزیزجان من نمی‌دونم که آیا رییس رؤسا هم مثل من و شما هستند؟ یا این که با استفاده از رافت‌های موجود قبلاً طلباشون رو وصول کردن به هر حال نمی‌شه بدون اطلاع به کسی تهمت زد ولی امیدوارم این دیوار بی‌اعتمادی بین شما و مسئولین هر چه زودتر فرو بریزه. به هر حال می‌خواین چکار کنین این اختیار رو به شما دادن که یا با همین شرایط پولتون رو بگیرید یا مدتی دیگه صبر کنید. دوستی گفت:

"یعنی می‌فرمایید به خاطر قبول نکردن ۴ درصد بخشش، پولمون رو چهار ماه دیگه بگیریم یعنی باز ۱۰ درصد دیگه ضرر کنیم. عجب دو راهی روشنی پیش پاهامون قرار دادن. دوست دیگری گفت:

"من یک پیشنهاد دارم یک نامه به بخش بر سر دوراهی مجله زن روز بنویسیم."

گفتم دوست عزیز از پیشنهاد شما متشکرم اگر چه پیشنهاد بسیار به جایی بود ولی می‌دونید که عملی نیست. می‌خواین یکی نامه اعتراض آمیز به خدمات درمانی بنویسیم و به چند جا هم مثل مجلس، نهاد ریاست جمهوری و چند جای دیگه بدیم؟ آقای رییس که خیلی وقت بود ساکت نشسته بود و هنوز کاملاً از شوک تذکر اولیه بیرون نیومده بود. گفت:

"نه الان موقع مناسبی برای این نامه نگاری‌ها نیست."

بالاخره با پیشنهاد یکی از دوستان موافقت